

دانیال کی کتاب — ایک سو بیاسی نمبر

اتحادہا و نبردهای نبوی: از سلوکوس باستان تا ژئوپولیتیکِ معاصر

Jeff Pippenger

2024-04-12

آیات سیزدهم و چہاردهم، تاریخی را مشخص می‌کنند کہ در آن سلوکوس و فیلیپ مقدونی در حال تشکیل اتحادی بودند، و آنان نمونه‌وار ایالات متحدہ را مجسم می‌سازند کہ نخستین سپاہ نیابتی روم است، و مقدونیه (یونان) نمادی از سازمان ملل متحد است. در آن تاریخ آغازین، اتحاد پادشاه شمال (سلوکوس) و فیلیپ (یونان)، نمایانگر تاریخی است کہ بہ نبرد پانیوم منتهی می‌شود؛ نبردی کہ دو قرن بعد، نام آن شهر از پانیوم بہ شهر قیصریہ فیلیپی تغییر یافت. نام دوگانه آن شهر، بہ یادبود اتحاد سلوکوس و فیلیپ مقدونی نبود.

نام «قیصریہ فیلیپی» از دگرگونی تاریخی شهر باستانی‌ای کہ بہ نام‌های «پانیاس» یا «پانیوم» شناخته می‌شد، برگرفته شده است. این شهر در آغاز بہ سبب نزدیکی‌اش بہ چشمه‌ای برجستہ کہ بہ خدای یونانی «پان» اختصاص داشت، «پانیاس» نامیدہ شد. آن چشمہ، کہ در روزگار باستان مکانی دینی مهم بہ شمار می‌رفت، بہ رود اردن می‌پیوست.

در دوران سلطنت شاه ہیرودیس بزرگ، در حدود قرن نخست پیش از میلاد، این شهر دستخوش بازسازی‌های چشمگیر شد و گسترش یافت و آراستہ گردید. قیصریہ فیلیپی بہ نام ہیرودیس فیلیپ، یکی از پسران ہیرودیس بزرگ، نام‌گذاری شد. او این شهر را «قیصریہ» نامید بہ افتخار قیصر آگوستوس، امپراتور روم، و «فیلیپی» را از نام خود برگرفت؛ ازاین‌رو، قیصریہ فیلیپی. بنابراین، «قیصریہ فیلیپی» ترکیبی است از «قیصریہ»، کہ بازتاب‌دهندہ ادای احترام ہیرودیس بہ قیصر آگوستوس است، و «فیلیپی»، کہ در تکریم ہیرودیس فیلیپ آمدہ است.

از منظر نبوی، پانیوم با اتحادی میان سلوکوس و فیلیپ مقدونی مرتبط است، و نیز با ائتلاف میان قیصر و ہیرودیس فیلیپ. این دو ائتلاف بہ اتحاد میان ایالات متحدہ و سازمان ملل متحد اشارہ دارند کہ در پی فروپاشی روسیہ پوتین، کہ بہ وسیلہ سلوکوس و فیلیپ نمادپردازی شدہ است، پدید می‌آید. همچنین، آنان نمایانگر اتحاد میان پاپیت، کہ مادر است، و ایالات متحدہ، کہ دختر است، می‌باشند؛ چنان کہ قیصر و فیلیپ ہر دو نمایندگان روم بودند. اینہا با ہم ایالات متحدہ را نشان می‌دهند کہ «دست خود را از فراز شکاف دراز می‌کند تا دست قدرت رومی را بگیرد»، و «از فراز مغاک دست دراز می‌کند تا با اسپیریٹیس دست بفشارد.» پیش از قانون یک‌شنبه در آیہ شانزدهم، اتحاد سہ‌گانه مزبور از پیش برقرار شدہ است.

پانیوم نمایانگر مرکز پرستش یونانی خدای پان است. چشمہ‌ای کہ بہ خدای یونانی پان تقدیم شدہ بود، در آن زمان همچنین بہ «دروازہ‌های جہنم» نیز شناختہ می‌شد، و ہنگامی کہ عیسی از آنجا دیدار کرد، سخن او درباره «دروازہ‌های جہنم» نبردی را میان ویژگی‌های سیاسی و مذہبی یونان (جہانی‌گرایی) و پروتستانتیسم مرتد کہ در ایام آخر رخ می‌دہد، مشخص می‌سازد. این همان نبردی است کہ نخست بہ وسیلہ آن رئیس‌جمهور ثروتمند آغاز شد کہ در آیہ دو قلمرو یونان را بہ جنبش درآورد. این نبردی جہانی و بیرونی است و نیز نبردی درونی در ایالات متحدہ.

مذہبِ عالمگیریت، اژدہا کا مذہبِ ہے، جو ہمارے جدید تناظر میں ووک ازم کا مذہب ہے۔ 2020 میں، اتہاہ گڑھے سے نکلنے والے حیوان نے، جس کی شناخت مکاشفہ باب گیارہ میں کی گئی ہے، اپنی سیاسی اور مذہبی طاقت ظاہر کی اور زمینی حیوان کے دونوں سینگوں کو ہلاک کر دیا۔ وہ اتہاہ گڑھا، دیگر

امور کے ساتھ، "چشمہ پان" سے بھی ممثل ہے، جو دریائے یردن کو پانی فراہم کرتا تھا۔

در اسطورہ شناسی یونان، پان با طبیعت، بیابان، و موسیقی روستایی پیوند داشت، و وجود چشمہ ای کہ به او اختصاص یافته بود، برای پرستندگانش اهمیت دینی داشت. خدای پان غالباً با پاها، شاخ‌ها، و گوش‌های بز به تصویر کشیده می‌شود. پان خدای شبانان و گلہ‌ها به شمار می‌رفت، و اغلب به صورت معبودی بازیگوش و شیطان صفت تصویر می‌شد کہ در جنگل‌ها و کوهستان‌ها به خوش‌گذرانی می‌پرداخت. تصویر پان به عنوان معبودی با پاها ی بز با باب هشتم دانیال هماهنگ است، جایی کہ یونان به وسیلہ یک بز نر نمایانده شده است. بزها از حیوانات اهلی رایج در یونان باستان بودند، و غالباً در نواحی کوهستانی یافت می‌شدند؛ همان‌جا کہ باور بر این بود کہ پان در آن پرسه می‌زند. این تصویر به یکی از ویژگی‌های برجستہ شمایل‌نگاری پان تبدیل شد و در هنر و ادبیات یونانی مربوط به این خدا، از جمله در واحد پول ملی، استمرار یافت.

هنگامی کہ عیسی از قیصریہ فیلیپی دیدار کرد، اعلام نمود کہ «دروازہ‌های جہنم» بر کلیسا استیلا نخواهند یافت. آنچه پطرس در پاسخ به پرسش عیسی بیان کرده بود، در تاریخ و سنت مسیحی به عنوان «اعتراف مسیحی» شناخته می‌شود.

اور چون عیسی به نواحی قیصریہ فیلیپی آمد، از شاگردان خود پرسید و گفت: «مردم مرا کہ پسر انسانم، چه کسی می‌دانند؟» ایشان گفتند: «بعضی می‌گویند یحیی تعمیددہ‌ای؛ بعضی ایلیا؛ و بعضی ارمیا یا یکی از انبیا.» به ایشان گفت: «اما شما مرا کہ می‌گویید؟» شمعون پطرس در پاسخ گفت: «تو مسیح، پسر خدای زندہ هستی.» عیسی در جواب او گفت: «خوشا به حال تو، ای شمعون پسر یونا، زیرا این را جسم و خون بر تو مکشوف نساخته است، بلکه پدر من کہ در آسمان است. و من نیز به تو می‌گویم کہ تو پطرس هستی، و بر این صخرہ کلیسای خود را بنا خواهم کرد، و دروازہ‌های هاویہ بر آن استیلا نخواهد یافت. و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو خواهم داد؛ و آنچه بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد؛ و آنچه بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد.» آنگاه شاگردان خود را تأکید فرمود کہ به هیچ‌کس نگویند کہ او عیسی مسیح است. متی 16:13-20.

یہ عبارت اس لیے نہایت اہم ہے کہ یہ یسوع کی خدمت اور مسیحی الہیات کی تشکیل میں ایک فیصلہ کن مرحلے کی نمائندگی کرتی ہے۔ پطرس کا یسوع کے بارے میں یہ اقرار کہ وہ مسیح، زندہ خدا کا بیٹا ہے، مسیحی ایمان کی بنیاد اور وہ سنگ زاویہ سمجھا جاتا ہے جس پر کلیسیا قائم کی گئی ہے۔ فقرہ "this rock I will build my church" church کی تعبیر کاتھولک روایت میں خود پطرس کے حوالے کے طور پر کی جاتی ہے، جسے یسوع اُس "چٹان" کے طور پر متعین کرتا ہے جس پر کلیسیا تعمیر کی جائے گی۔ یہی تعبیر کاتھولک الہیات میں پائائی اولیت اور اختیار کی بنیاد فراہم کرتی ہے۔

در الہیات پروتستان، «صخرہ» چنین فہمیدہ نمی‌شود کہ بہ شخص پطرس اشارہ داشته باشد، بلکہ بہ اعتراف ایمان پطرس بہ عیسی بہ عنوان مسیحا و پسر خدا اشارہ دارد. بر اساس این دیدگاه، بنیاد کلیسا نہ پطرس، بلکہ این اعتراف است کہ عیسی، مسیح و پسر خداست. صرف نظر از تفسیر الہیاتی، اعتراف پطرس در متی 16:13-20 بہ عنوان متنی محوری و بنیادی در ایمان مسیحی تلقی می‌شود کہ بر ہویت عیسی بہ عنوان مسیحا و پسر خدا تأکید می‌ورزد و رسالت و ہدف کلیسا را تأیید می‌کند.

در مقالہ پیشین، فرازی از کتاب آرزوی اعصار ارائه کردیم کہ در آن، خواہر وایت برخی از مسائل مرتبط با دیدار مسیح از قیصریہ فیلیپی را مشخص می‌سازد. یکی از نکاتی کہ او یادآور می‌شود این است کہ مسیح شاگردان را از نفوذ یہودیان دور کردہ بود تا تعالیم قیصریہ فیلیپی را بیان کند.

«عیسی و شاگردانش اکنون به یکی از شهرهای نواحی قیصریه فیلیپی آمده بودند. آنان از حدود جلیل فراتر رفته بودند، در منطقه‌ای که بت‌پرستی در آن رواج داشت. در اینجا شاگردان از نفوذ مهارکننده یهودیت دور ساخته شدند و به تماس نزدیک‌تر با پرستش بت‌پرستان آورده شدند. در پیرامون ایشان، صورت‌های گوناگون خرافاتی که در همه بخش‌های جهان وجود داشت، نمایان بود. عیسی می‌خواست که مشاهده این امور، آنان را بر آن دارد تا مسئولیت خود را در قبال بت‌پرستان احساس کنند. در مدت اقامت خود در این ناحیه، او می‌کوشید از تعلیم دادن به مردم کناره گیرد و خویشان را به گونه‌ای کامل‌تر وقف شاگردان خود سازد.» آرزوی اعصار، ۴۱۱.

Le 18 juillet 2020, Christ a retiré les disciples du 11 septembre 2001 de l'influence de l'adventisme laodécien. La première déception, dans la parabole des dix vierges, produisit une séparation du mouvement d'avec l'assemblée des moqueurs qui était en train d'être dépassée. Cette vérité s'accomplit dans l'histoire millérite le 19 avril 1844, puis de nouveau le 18 juillet 2020. Alors commença l'histoire du temps d'attente, et elle porte la signature de la « Vérité » à la fois dans le mouvement du premier et du troisième ange

نخستین نومیدی، نخستین سه نشانه راه است، و این تاریخ با نومیدی عظیم ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان می‌رسد که نمونه «زلزله عظیم» در مکاشفه فصل یازدهم است. آغاز، یعنی نخستین حرف الفبای عبری، نمایانگر یک نومیدی است، و پایان، یعنی بیست و دومین حرف الفبای عبری نیز نمایانگر یک نومیدی است. حرف سیزدهم، که نمایانگر عصیان است، نومیدی باکره‌گان جاهل را مشخص می‌سازد؛ آنان که هنگامی که ندای نیمه‌شب آشکار می‌سازد چه کسانی برای بحران آماده شده‌اند و چه کسانی آماده نشده‌اند، وضعیت گمشده خویش را ظاهر می‌کنند. بیست و دو حرف الفبای عبری، نماد اتحاد الوهیت با انسانیت را نمایندگی می‌کنند که در درون آن تاریخ به انجام می‌رسد، هرچند تاریخ میلری نخستین قادش را نمایندگی می‌کند، و تاریخ امروز ما آخرین قادش را.

این دو خط با یکدیگر موازی‌اند، اما یکی نمایانگر شکست قوم خداست و دیگری پیروزی قوم خدا را نشان می‌دهد. اندکی پیش از صلیب، عیسی شاگردان خود را به پانیوم آورد؛ همان‌گونه که شاگردان ایام آخر خود را نیز به پانیوم آورده است، و با این کار اجازه داد که یک نومیدی، شاگردان ایام آخر او را از «نفوذ کنترل‌کننده» ادونتیسیم لائودیکیه‌ای، که در تاریخ باب شانزدهم متی با «یهودیت» نمایانده شده است، جدا سازد. او با این کار، هم‌زمان شاگردان خود را به تماس نزدیک‌تری با بت‌پرستی نیز آورد، و بدین‌سان محیط کار شاگردان ایام آخر خود را به تصویر کشید؛ شاگردانی که اکنون در تجلی کامل قدرت شیطان، که به وسیله نظام‌های ارتباطی مدرن نمایان شده و برای رهبری تمام جهان به سوی پذیرفتن نشان وحش به کار گرفته می‌شود، زندگی می‌کنند.

تاریخ قیصریه فیلیپی با تاریخ نبرد پانیوم، و با آیات سیزده تا پانزده، منطبق است. مسیح و شاگردانش در سایه صلیب ایستاده بودند، که نمادی از شاگردان ایام آخر اوست که در سایه قانون یک‌شنبه ایستاده‌اند. در آنجا، در آیات سیزده تا پانزده، یعنی قیصریه فیلیپی، و نیز نبرد پانیوم، که همان جایگاهی است که امروز در آن ایستاده‌ایم، مسیح آغاز کرد تا به شاگردانش درباره آنچه در آیه شانزده در شرف وقوع بود تعلیم دهد.

«او در آستانه آن بود که از رنجی که در انتظارش بود به ایشان بگوید. اما نخست تنها به کناری رفت و دعا کرد تا دل‌های آنان برای پذیرفتن سخنانش آماده شود.» آرزوی اعصار، 411.

پیش از آن که مسیح به شاگردان خود از صلیب خبر دهد، نخست دور شد، یا درنگ کرد؛ و بدین‌سان زمان درنگ را در مثل و در تاریخ، از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا ژوئیه ۲۰۲۳، مشخص ساخت.

«چون به آنان پیوست، آنچه را که می‌خواست به ایشان منتقل کند، بی‌درنگ بیان نکرد. پیش از آن، به ایشان فرصت داد تا ایمان خود را به او اقرار کنند، تا برای آزمون پیش‌رو تقویت شوند.» آرزوی اعصار، ۴۱۱.

در ژوئیه ۲۰۲۳، خداوند آغاز کرد به اینکه برای آنان که درگیر آن نومی‌دی بودند، فرصت فراهم آورد تا ایمان خود را ابراز کنند. او این کار را با گشودن پیام حزقیال سی‌وهفتم انجام داد، پیامی که تأییدی بر پیام ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود. این همان رشته‌ای بود که زمان مهر شدن را از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد، به یکدیگر پیوند می‌داد. و این کار را از آن رو انجام داد که نومی‌دی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را در ساختار حقیقت جای داد؛ زیرا آنان که مایل بودند ببینند، می‌توانستند تشخیص دهند که هر جنبش اصلاحی، مضمونی دارد که در سراسر تاریخ مقدس خاص آن جریان می‌یابد.

در ایام آخر، پیام وای سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رسید؛ سپس پیامی کاذب درباره وای سوم اعلام شد که موجب یأس و سرخوردگی گردید؛ اما پیامی که ایشان را پس از سه روز و نیم مرده بودن، و استخوان‌های خشک و پراکنده بودن، دوباره زنده ساخت، پیام چهار باد بود، که همان وای سوم نیز هست.

شاگردان ایام آخر، اگر بخواهند ببینند، می‌توانند دریابند که سه علامت راه مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار، در هر گام همان مضمون واحد را دربر دارد، و این که در گام دوم، عصیانی که به وسیله سیزدهمین حرف الفبای عبری نمادپردازی شده است، پیام را به عنوان «حقیقت» تأیید کرد. شاهد دومی که خداوند فراهم ساخت، در این واقعیت بود که نخستین نومی‌دی جنبش‌های اصلاحی پیشین، بر پایه عصیان بر ضد اراده مکشوف خدا استوار بود؛ خواه موسی پسر خویش را ختنه نکرده بود، یا عزه آن تابوت را لمس کرده بود، یا مارتا و مریم درباره سخن عیسی در خصوص مرگ ایلعازر شک کرده بودند. تنها خط اصلاحی‌ای که این واقعیت را تأیید نکرد که نخستین نومی‌دی بر نافرمانی مبتنی بود، جنبش اصلاحی میلری‌ها بود؛ اما در همان زمان نیز نشان داده شد که تاریخ میلری‌ها دارای علائم راه درونی‌ای بود که بر حقیقت هشتم، که از آن هفت است، مبتنی بود.

این حقیقت که «هشتمی از آن هفت است» بخشی عمده از مکاشفه عیسی مسیح است که اکنون مهرگشایی می‌شود، و گذار جنبش میلری فیلادلفیایی به کلیسای لائودیکه، نشانه‌ای بود که مشخص می‌ساخت چه زمانی جنبش لائودیکی فرشته سوم به جنبش فیلادلفیایی یکصد و چهل و چهار هزار انتقال خواهد یافت. بنابراین، این واقعیت که نخستین نومی‌دی میلری بدون آن که جنبش ایشان نافرمانی‌ای از خود ظاهر سازد به انجام رسید، زمینه تقابل را برای همان نشانه در ایام آخر فراهم آورد؛ جایی که جنبش لائودیکی فرشته سوم نافرمانی کرده و نومی‌دی‌ای پدید می‌آورد، و بدین سان با نشانه میلری همسو می‌شود و منطق لازم را برای دیدن این امر فراهم می‌سازد که جنبش یکصد و چهل و چهار هزار همان هشتمی است که از آن هفت است.

در ژوئیه ۲۰۲۳، خداوند «صدایی در بیابان» برانگیخت تا قوم ایام آخر خود را برای بحران قانون یکشنبه آماده سازد، و هنگامی که از درنگ در دعا نزد شاگردان بازگشت، به آنان فرصت داد تا ایمان خود را اظهار کنند. در روزگار مسیح، پیام تعمید او بود، همان نقطه‌ای که در آن عیسی، عیسی مسیح شد. آن نشانه با ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ هم‌راستا است، و از شاگردان او پرسیده شد که مردم درباره او چه می‌اندیشند، و سپس از خود شاگردان پرسیده شد که درباره مسیح چه می‌اندیشند.

«هنگامی که به ایشان پیوست، در همان آغاز آنچه را که می‌خواست به آنان منتقل کند، بیان نکرد. پیش از آن، به ایشان فرصت داد تا ایمان خود را به او اقرار کنند، تا برای آزمون پیش رو استوار گردند. او پرسید: «مردم مرا که پسر انسانم، چه کسی می‌گویند؟»

متأسفانه شاگردان ناگزیر شدند اعتراف کنند که اسرائیل در شناختن مسیحای خود ناکام مانده است. البته برخی، هنگامی که معجزات او را دیدند، او را پسر داوود اعلام کرده بودند. جمعیت‌هایی که در بیت صیدا خوراک یافته بودند، خواهان آن بودند که او را پادشاه اسرائیل اعلام کنند. بسیاری آماده بودند او را به‌عنوان نبی بپذیرند؛ اما ایمان نداشتند که او همان مسیحا است.» آرزوی اعصار، ۴۱.

اکثریت ادونتیسیم به وای سوم ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ایمان نیاوردند. آنان به برخی از معجزات کلام نبوت که در این جنبش ارائه شده بود یاور داشتند، و بعضی نیز درمی‌یافتند که پیام ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ عناصری از حقیقت را دربردارد، اما حقیقتاً به ادعاهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ایمان نداشتند.

دعوی ۱۱ ستمبر ۲۰۰۱ کی پیشگی مثال ۱۱ اگست ۱۸۴۰ کے دعویٰ میں پائی جاتی تھی، اور اس دعویٰ کو سسٹر وائٹ نے ۱۱ اگست ۱۸۴۰ کی تکمیل پر تبصرہ کرتے ہوئے بیان کیا۔ انہوں نے فرمایا:

"در همان زمانی که تعیین شده بود، ترکیه، از طریق سفیران خود، حمایت قدرت‌های متحد اروپا را پذیرفت و بدین‌سان خود را تحت سلطه ملت‌های مسیحی قرار داد. این رویداد، پیشگویی را دقیقاً به انجام رسانید. هنگامی که این امر معلوم شد، انبوهی از مردم به درستی اصول تفسیر نبوی که میلر و همکارانش اختیار کرده بودند، متقاعد شدند، و نیروی محرکه شگفت‌انگیزی به جنبش ظهور داده شد. مردان دانش و منزلت با میلر متحد شدند، هم در موعظه کردن و هم در انتشار دیدگاه‌های او، و از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ این کار به سرعت گسترش یافت." نبرد عظیم، ۳۳۴، ۳۳۵.

آنچه در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تأیید شد، این بود که دیدگاه‌های نبوی میلر درست بودند، و ادعای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تأییدی است بر این که دیدگاه‌های نبوی Future for America درست هستند. انبوه توبه‌نکرده در ژوئیه ۲۰۲۳ نمی‌توانست و نمی‌خواست این مقدمه را بپذیرد که روشی که به‌دست مسیح طراحی شده و به Future for America سپرده شده است، در حقیقت همان روش باران آخر است. اما آنگاه مسیح از شاگردان خود پرسید که آنان، نه آن انبوه، چه می‌اندیشند.

عیسی اکنون پرسش دومی را مطرح کرد که به خود شاگردان مربوط می‌شد: «اما شما مرا که می‌گویید؟» پطرس پاسخ داد: «تو مسیح، پسر خدای زنده هستی.»

"له آغاز څخه، پطرس ایمان لاره چې عیسی هماغه مسیح دی. ډېر نور کسان، چې د یحیی تعمیدورکوونکي د وعظ له لارې ملامت شوي وو او مسیح یې منلی و، کله چې یحیی بندي او ووژل شو، د یحیی د رسالت په اړه یې شک پیل کړ؛ او اوس یې هم شک کاوه چې گواکې عیسی هغه مسیح نه دی چې دوی ورته دومره اوږد انتظار ایستلی و. د شاگردانو له ډلې ډېر هغه کسان، چې په تودې هیلې یې تمه لرله عیسی به د داود پر تخت خپل ځای ونیسي، هغه وخت ترې واوښتل چې پوه شول هغه داسې اراده نه لري. خو پطرس او د هغه مل‌گرو له خپلې وفادارۍ څخه مخ وانه راوه. د هغو کسانو بې‌ثباته چلند، چې پرون یې ستایه او نن یې غنده، د ژغورونکي د رښ‌تیني پیرو ایمان له منځه یو نه وړ. پطرس اعلان وکړ: "ته مسیح یې، د ژوندي خدای زوی." هغه د دې انتظار ونه کړ چې شاهي ویاړونه دې د هغه پر رب تاج کېږدي، بلکې هغه یې د خپلې سپکاوي په حالت کې ومانه."

«پطرس ایمان آن دوازه تن را بیان کرده بود. باین‌حال، شاگردان هنوز از درک مأموریت مسیح بسیار دور بودند. مخالفت و بدنمایی کاهنان و حاکمان، هرچند نمی‌توانست آنان را از مسیح روی‌گردان سازد، باین‌همه ایشان را در سرگردانی عظیمی فرو می‌برد. آنان راه خود را به‌روشنی نمی‌دیدند. تأثیر تعلیمات آغازینشان، آموزش ربیان، و قدرت سنت، هنوز دید ایشان را نسبت به حقیقت سد می‌کرد. گاه‌به‌گاه، پرتوهای گران‌بهای از نور از جانب عیسی بر آنان می‌تابید، اما ایشان غالباً چون مردمانی بودند که در میان سایه‌ها راه می‌جویند. اما در این روز، پیش از آنکه رو

در روی آزمون بزرگ ایمان خود قرار گیرند، روح القدس با قدرت بر آنان قرار گرفت. برای زمانی کوتاه، چشمان ایشان از «چیزهای دیدنی» برگرفته شد تا «چیزهای نادیدنی» را بنگرند. 2 Corinthians 4:18. در زیر پوشش انسانیت، جلال پسر خدا را تشخیص دادند.»

«عیسی در پاسخ پطرس گفت: "خوشا به حال تو، ای شمعون بن یونا؛ زیرا گوشت و خون این را بر تو مکشوف نساخته است، بلکه پدر من که در آسمان است."» آرزوی اعصار، 412.

اقرار پطرس در شناسایی این که مسیح پسر خداست، مستقیماً به پرسش آزمونگر آن تاریخ پاسخ می داد. زمان ظهور مسیحا، چنان که کلام نبوی خدا مقرر داشته بود، فرا رسیده بود، و تنها کسانی که آن حقیقت را می پذیرفتند، در زمره کسانی قرار می گرفتند که بیان پطرس نماینده آنان بود. پطرس نماینده کسانی است که پیام تثبیت شده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را می پذیرند و اقرار می کنند که عیسی پسر خداست. «پطرس ایمان آن دوازده تن را بیان کرده بود»، و آن دوازده نفری که او نمایندگی می کرد، همان صد و چهل و چهار هزار بودند. از این رو، مسیح در آن عبارت، نام پطرس را از شمعون باریونا به پطرس تغییر داد.

«سیمون» به معنای «او که می شنود» است، و «بار» به معنای «پسر» است، و یونا به معنای «کبوتر» است. سیمون نماینده کسانی بود که پیام کبوتر را شنیدند؛ کبوتری که نمایانگر حقایق مربوط به تعمید عیسی بود، آنگاه که او مسیح گردید و به قدرت مسح شد، چنان که این امر به گونه ای نمادین با فرود آمدن روح القدس به هیئت کبوتر نشان داده شد.

خطوط اصلاح ایک دوسرے کے متوازی ہیں، اور یوحنا میلریوں کی نمائندگی کرتا ہے، جنہوں نے 11 اگست 1840 کو اُس چھوٹی کتاب کو کھایا۔ یرمیاہ اُس واقعہ کے ساتھ ہم آہنگ ہے، اور جب اُس نے اُس چھوٹی کتاب کو کھایا، تو پھر اُس پر خدا کا نام رکھا گیا۔

سخنانت یافت شد و آنها را خوردم؛ و کلامت برای من شادی و وجد دل من بود، زیرا من به نام تو خوانده شده ام، ای یهوه، خدای صبايوت. ارمیا ۱۵:۱۶

چون خداوند با آبرام عهد بست، نام او را به ابراهیم تغییر داد، همان گونه که با سارای و یعقوب نیز چنین کرد. تغییر نام، بیانگر رابطه ای عهدی است، و در آن نشانه راه که در آن نماد الهی فرود می آید، قوم خدا باید پیام را بخورند، به عهد داخل شوند، و آنگاه نام ایشان تغییر می یابد. شمعون برجون، به عنوان نماینده شاگردان در زمان مسیح، نمایانگر کسانی بود که پیام «کبوتر» را «شنیدند».

هنگامی که او شهادت داد که دریافته است در آن نشانه راه، عیسی مسیح شد، و اینکه او پسر خدا بود، و هر آنچه این امر در بر دارد، آنگاه مسیح نام او را به پطرس تغییر داد. او پیامی را بیان کرده بود که قوم عهد مسیح در آن تاریخ پذیرفتند، و بدین سان همچنین نمونه یکصد و چهل و چهار هزار ایام آخر را مجسم ساخت.

حرف «P» شانزدهمین حرف در الفبای انگلیسی است، و حرف «E» پنجمین حرف در الفباست، و حرف «T» بیستمین حرف است، حرف «E» تکرار می شود، و نام با حرف «R» که هجدهمین حرف است پایان می یابد. شانزده «ضرب در» پنج، «ضرب در» بیست، «ضرب در» پنج، «ضرب در» هجده، برابر است با یکصد و چهل و چهار هزار. آن زبان شناس شگفت انگیز با پطرس به زبان عبری سخن گفت، و عهد جدید به زبان یونانی نوشته شد، و مترجمان نسخه کینگ جیمز عهد جدید را به زبان انگلیسی پدید آوردند.

با وجود سه گام تفاوت زبان ها، مسیح که پسر خدا، زبان دان شگفت انگیز و شمارنده شگفت انگیز است، در باب شانزدهم متی تمثیلی از مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر قرار داد که با نبرد پانیوم و دیدار او از قیصریه فیلیپی هم راستا است. او این کار را با به کارگیری سلطه خود بر زبان و اعداد انجام

داد، زیرا او هم پالمونی (شمارنده شگفت‌انگیز) است و هم کلمه (زبان‌دان شگفت‌انگیز).

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«نزدیک به دو هزار سال پیش، آوازی با معنایی رازآمیز در آسمان، از تخت خدا، شنیده شد: «اینک می‌آیم.» "قربانی و هدیه را نخواستی، بلکه بدنی برای من مهیا ساختی.... اینک می‌آیم (در طومار کتاب درباره من نوشته شده است) تا اراده تو را، ای خدا، به جا آورم." عبرانیان 10:5-7. در این کلمات، تحقق مقصودی اعلام شده است که از ازل‌های جاودان پنهان بوده است. مسیح در شرف آن بود که به جهان ما بیاید و مجسم گردد. او می‌گوید: "بدنی برای من مهیا ساختی." اگر او با آن جلالی ظاهر می‌شد که پیش از آفرینش جهان نزد پدر داشت، ما تاب نور حضور او را نمی‌آوردیم. برای آنکه بتوانیم آن را بنگریم و هلاک نشویم، تجلی جلال او مستور گردانیده شد. الوهیت او در انسانیت محجوب شد،—جلال نامرئی در صورت مرئی انسانی.»

मूसा मसीह जसिमे, झाड़ी हुई जलती था। गया कथिा पूरवछायति में प्रतीको और प्रतरूपो उद्देश्य महान यह" वह, गया चुना प्रतीक जो लिए के प्रतनिर्दिशेन के ईश्वरत्व कथिा। प्रकट को परमेश्वर ने, हुए प्रकट पर परमेश्वर दयालु-सर्व था। नविस का अनन्त में उसी था। न आकर्षण कोई मानो जसिमे, थी झाड़ी दीन एक सके कर दृष्टि पर उस मूसा ताक, लिया कर आच्छादति में प्रतीक वनीत अत्यन्त एक को महिमा अपनी ने इस्राएल ने परमेश्वर में सत्तम्भ के अग्न में रात और सत्तम्भ के बादल में दिनि प्रकार इसी रहे। जीवति और महिमा की परमेश्वर की। प्रदान कृपा अपनी उन्हें और, की प्रकट इच्छा अपनी पर मनुष्यों, कथिा संवाद से उसे दृष्टि दुर्बल की मनुष्यों सीमति ताक, गया दयिा कर आच्छादति ऐश्वर्य उसका और, गई दी कर संयत 'सदृश के मनुष्यों (Philippians 3:21, R. V.), 'मे' देह की दीनता हमारी 'को मसीह प्रकार इसी सके। देख वह तौभी; करें अभलिषा उसकी वे कथिी न शोभा कोई ऐसी उसमें में दृष्टि की संसार था। आना होकर और महानता उसकी, थी आच्छादति महिमा उसकी था। प्रकाश का पृथ्वी और स्वर्ग, परमेश्वर देहधारी "सके। आ नकिट के मनुष्यों परीक्षति और शोकति वह ताक, गए रखे गुप्त ऐश्वर्य

خدا به موسی برای اسرائیل فرمان داد: «برای من مقدسی بسازند تا در میان ایشان ساکن شوم» (خروج ۲۵:۸)، و او در آن مقدس، در میان قوم خویش، ساکن شد. در سراسر آوارگی فرساینده ایشان در بیابان، نماد حضور او با آنان بود. به همین سان، مسیح خیمه خود را در میان اردوگاه انسانی ما برپا کرد. او خیمه خود را در کنار خیمه‌های آدمیان افراشت تا در میان ما ساکن شود و ما را با سیرت و حیات الهی خویش آشنا سازد. «و کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد (و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر)، پر از فیض و راستی.» یوحنا ۱:۱۴، R. V. حاشیه.

از آن‌جا که عیسی آمد تا با ما ساکن شود، می‌دانیم که خدا با آزمون‌های ما آشناست و با اندوه‌های ما همدردی می‌کند. هر پسر و دختر آدم می‌تواند دریابد که آفریدگار ما دوست گناهکاران است. زیرا در هر تعلیم فیض، هر وعده شادی، هر عمل محبت، و هر جاذبه الهی که در زندگی زمینی نجات‌دهنده عرضه شده است، «خدا با ما» را می‌بینیم.

«شیطان شریعت محبت خدا را به صورت شریعت خودخواهی جلوه می‌دهد. او اعلام می‌کند که اطاعت از احکام آن برای ما ناممکن است. سقوط نخستین والدین ما، با همه مصیبت‌هایی که از آن پدید آمده است، او بر عهده آفریننده می‌نهد و بدین سان انسان‌ها را بر آن می‌دارد که خدا را منشأ گناه، رنج و مرگ بنگرند. عیسی آمده بود تا این فریب را آشکار سازد. او، چون یکی از ما، می‌بایست نمونه‌ای از اطاعت ارائه دهد. بدین منظور، طبیعت ما را بر خود گرفت و از میان تجربه‌های ما گذشت. «در همه چیز می‌بایست شبیه برادران خود گردد.» عبرانیان 2:17. اگر قرار بود ما چیزی را تحمل کنیم که عیسی متحمل نشد، آنگاه شیطان در همین مورد قدرت خدا را برای ما ناکافی جلوه می‌داد. از این رو عیسی «در همه چیز، مانند ما، وسوسه شد.» عبرانیان 4:15. او هر آزمایشی را که ما در معرض آن هستیم تحمل کرد. و او برای خود هیچ قدرتی را به کار نبرد که

به طور رایگان به ما نیز عرضه نشده باشد. او به عنوان انسان با وسوسه روبه رو شد و با نیرویی که از خدا به او عطا شده بود، غالب آمد. او می گوید: «به انجام اراده تو، ای خدای من، شادمانم؛ و شریعت تو در اندرون قلب من است.» مزمو 40:8. هنگامی که او به اطراف می گشت، نیکویی می کرد و همه کسانی را که از سوی شیطان در رنج بودند شفا می داد، برای انسان ها آشکار ساخت که شریعت خدا چه شخصیتی دارد و خدمت او از چه ماهیتی برخوردار است. زندگی او شهادت می دهد که برای ما نیز اطاعت از شریعت خدا ممکن است.»

«مسیح به واسطه انسانیت خویش، انسانیت را لمس کرد؛ و به واسطه الوهیت خویش، به تخت خدا چنگ می زند. او به عنوان پسر انسان، برای ما نمونه اطاعت را به جا گذاشت؛ و به عنوان پسر خدا، به ما قدرت اطاعت می بخشد. این مسیح بود که از میان بوته بر کوه حوریب با موسی سخن گفت و فرمود: «هستم آن که هستم... و به بنی اسرائیل چنین بگو: اهیة مرا نزد شما فرستاده است.» خروج 3:14. این، تضمین رهایی اسرائیل بود. پس هنگامی که او «در شباهت آدمیان» آمد، خویشتن را اهیة اعلام کرد. آن طفل بیت لحم، آن نجات دهنده حلیم و فروتن، همان خدای «ظاهر شده در جسم» است. اول تیموتائوس 3:16. و او به ما می گوید: «من شبان نیکو هستم.» «من نان زنده هستم.» «من راه و راستی و حیات هستم.» «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است.» یوحنا 10:11؛ 6:51؛ 14:6؛ متی 28:18. من، ضمانت هر وعده ام. من هستم؛ مترسید. «خدا با ما» وثیقه رهایی ما از گناه، و تضمین قدرت ما برای اطاعت از شریعت آسمان است.» آرزوی اعصار، 23، 24.